

اخبار فرهنگی

رویداد ملی «شهریار، شاعر مردم ایران» در تبریز برگزار می شود



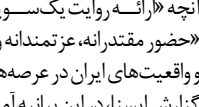
هژرمان باروز ملی شاعر و ادب فارسی و بزرگداشت استاد شهریار، رویداد ملی «شهریار، شاعر مردم ایران» با حضور جمعی از چهره‌های شعر و ادب از سراسر کشور، از ۲۵ تا ۲۷ شهریورماه در تبریز برگزار می‌شود. به گزارش مرکز هنر و رسانه سیمرح حوزه هنری، این رویداد سه‌روزه شامل سخنرانی، برگزاری «شب ملی شعر»، اجرای بخش‌های موسیقی، برگزاری کارگاه‌های «ایران سرا»، «شب روایت استاد شهریار» و ورشمنایی از مستند «پیل رستم» که به تهیه و تولید مؤسسه شهریار ساخته شده است، خواهد بود. رویداد ملی «شهریار، شاعر مردم ایران» جمعه ۲۷ شهریورماه با برگزاری نشست پایانی شاعران تبریز به کار خود پایان می‌دهد.

□ □ □

حواشی فیلم ونیز ادامه دارد؛

بیانیه شورای عالی انقلاب فرهنگی در محکومیت اظهارات لاله مرزبان

مرکز رسانه و روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی در پی حواشی اخیر جشنواره فیلم ونیز با صدور بیانیه‌ای، ضمن انتقاد از اظهارات و رفتارهای صورت گرفته و آنچه «رائه روایت یک‌سویه از جامعه» خوانند، بر ضرورت «حضور مقتدرانه، عزتمندانه و روایت‌گری شایسته از هویت و واقعیت‌های ایران در عرصه‌های بین‌المللی» تأکید کرد. به گزارش ایسنا، در این بیانیه آمده است: اظهارات و رفتار اخیر در جشنواره فیلم ونیز، متأسفانه نمونه‌ای از نادیده گرفتن

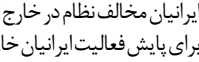


امانت ملی و ارائه روایتی یک‌سویه از جامعه سر بلند ایران بود؛ رویکردی که نمی‌توان آن را در تراز مسئولیت ملی و رسالت اجتماعی هنر دانست و در شرایط حساس کنونی، مردود و محکوم است. در ادامه می‌خوانیم:
فرکانس تصویر زن ایرانی که در امتداد تاریخ هم‌سوار مظهر بالندگی علمی، پویایی، مقاومت و نقش آفرینی اجتماعی و خانوادگی بوده است، به کلیشه‌های دلخواه محافل غربی، نادیده گرفتن این ظرفیت برای بیان مظلومیت و رنج‌های زنان و کودکان ایرانی در جنگ تحمیلی سوم، هجر استابار، سالت آگاهی بخش و تعهد اجتماعی هنر نیست.

□ □ □

وب‌سایت «علاج» از دسترسی خارج شد

وب‌سایت سامانه امنیتی – اطلاعاتی «علاج» که روز سه‌شنبه رونمایی و معرفی شد، از دسترسی خارج شده است. این سامانه برای رصد، شناسایی و گزارش‌دهی

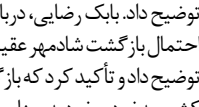


ایرانیان مخالف نظام در خارج از کشور معرفی و به‌عنوان ابزاری برای پایش فعالیت ایرانیان خارج از کشور مطرح بود؛ دسترسی عموم خارج‌شده و به اصطلاح (suspended)، شده است. این وب‌سایت بخش‌هایی برای دریافت، گردآوری و گزارش‌دهی مخالفان نظام اطلاعاتی در اختیار کاربران قرار می‌داد. در حال حاضر وب‌سایت «علاج» قابل دسترسی نیست و مشخص نیست این وضعیت موقت است یا این پایگاه به‌طور کامل تعطیل شده است.

□ □ □

واکش وزارت ارشاد به احتمال بازگشت شادمهر به ایران

مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، درباره خبرهای مطرح‌شده پیرامون احتمال بازگشت شادمهر عقیلی و برگزاری کنسرت او در ایران

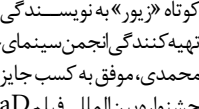


توضیح داد. بابک رضایی، درباره خبرهای مطرح‌شده پیرامون احتمال بازگشت شادمهر عقیلی و برگزاری کنسرت او در ایران توضیح داد و تأکید کرد که بازگشت احتمالی یک هنرمند به کشور، به‌خودی‌خود به معنای برنامه‌ریزی برای کنسرت نیست. وی گفت: ممکن است یک هنرمند برای دیدار و سفر به ایران بازگردد و دوباره از کشور خارج شود، اما چنین سفری به معنای برنامه‌ریزی برای برگزاری کنسرت نیست. رضایی افزود: زمانی می‌توان از برگزاری کنسرت سخن گفت که تهیه‌کننده‌ای درخواست رسمی ارائه کند، مراحل دریافت تأییدیه طی شود و سپس از هنرمند برای اجرای برنامه دعوت شود. به گفته مدیرکل دفتر موسیقی، تاکنون هیچ‌یک از خوانندگان ایرانی محکوم خارج از کشور برای دریافت مجوز برگزاری کنسرت در ایران به این دفتر مراجعه یا درخواست ثبت نکرده‌اند.

□ □ □

«زیور» از جشنواره مونته‌نگرو جایزه گرفت

فیلم کوتاه «زیور» که کارگردانی صباح محمدی، برنده جایزه استعداد نواز جشنواره بین‌المللی فیلم Zadaad شد، به گزارش مشاور رسانه‌ای پروژه، فیلم



کوتاه «زیور» به نویسندگی و کارگردانی صباح محمدی و تهیه‌کنندگی انجمن سینمایی جوانان دفتر کارگردانان و صباغ محمدی، موفق به کسب جایزه استعداد نواز یازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم Zadaad در مونته‌نگرو شد. جشنواره فیلم Zadaad، رویدادی بین‌المللی است که به فیلم‌های اول اختصاص دارد. هدف اصلی این جشنواره، نزدیک‌تر کردن صنعت فیلم به بینندگان و مخاطبان دانشگاهی از طریق تولید فیلم است و در عین حال ایجاد مکانی که در آن علاقه‌مندان به فیلم، ایده‌های خلاقانه برای پروژه‌های آینده را ردوبدل کنند و برای پروژه‌های جدید الهام بگیرند. یازدهمین دوره این جشنواره از ۱۱ تا ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۶ (۹۲۰ تا ۱۵ شهریور ماه ۱۴۰۵) در مونته‌نگرو برگزار شد. خلاصه داستان «زیور» آمده است: «زیور، مسئول خوابگاه دختران است. او شبی با دانشجویی که در به خوابگاه آمده، درگیر می‌شود. با یاسمن نصیری، تاراج‌بازی عاطفه از موده، فردین قادری، الهام‌بنی هاشم، امیر بهرامی، مریم بخشی و زینب بخشی در این فیلم کوتاه به ایفای نقش پرداخته‌اند و بخش بین‌الملل اثر بر عهده ماداکتو پیکچرز است.



محمد حسن خدایی

فراسی زبان، رویکرد سیاسی به مسائل کشور داشته و پرداختن به سبک زندگی، الویت مهمی برای آنان محسوب نمی‌شد. اما به تدریج از اواسط دهه هشتاد شمسی، در کنار سیاست، پرداختن به زندگی روزمره اهمیت یافت و شاهد بودیم که چگونه برنامه‌هایی در این زمینه ساخته شد و مخاطبان خودش را یافت. اما در این میان، شبکه «هن و تو» با حمایت مالی قابل اعتنایی که کسب کرد، استراتژی متفاوتی در پیش گرفت و ذهنیت ایرانیان در سرتاسر جهان را نشانه رفت. قرار بوده به تدریج اتمسفری عرضه‌شود که با نظم موجود برنامه «بفرمایید شام» شبکه «هن و تو» که سعی داشت به واسطه فرهنگ آشپزی ایرانیان مقیم خارج از کشور، چهره متفاوتی از هموطنانی ارائه کند که سبک زندگی آنان کمتر در صدا و سیما ی داخل کشور به نمایش درآمده است.

«بفرمایید شام» به نوعی می‌خواست پاسخی باشد به درخواست‌هایی که مردمان طبقه متوسط شهری در این سال‌ها از جامعه داشتند اما کسی به آن نیازها پاسخی درخور نداد. این نیازها مربوط می‌شد به بازنمایی زندگی روزمره شهری در رسانه‌های عمومی و حضور در عرصه نمادین. برنامه‌ای چون بفرمایید شام که در بسیاری از کشورها برگزار می‌شود و شرکت‌در آن امری است متعارف در ایران به چیزی بیش از خودش بدل شد چرا که جمعیت دیاسپورای ایرانی بر تعداد بود و در تمامی جهان پراکنده

از یاد نبریم که چگونه بیشتر شبکه‌های ماهواره‌ای

گزارش

درخواست جامعه باستان شناسی از رئیس جمهور:

تخت جمشید را فوری نجات دهید!



به تهنهایی نشان دهنده ضرورت ورود فوری نهاد ریاست جمهوری، شفاف‌سازی کامل فرایند تصمیم‌گیری و انتشار عمومی اسناد و مصوبات مرتبط است.»

جامعه باستان شناسی ایران همچنین یادآور شده است: «تخت جمشید صرفاً یک قطعه زمین در محدوده یک طرح شهری نیست که بتوان درباره آن با معیار افزایش ارزش زمین، در آمد شهری یا منافع کوتاه‌مدت اقتصادی تصمیم گرفت. پارسه و تخت جمشید بخشی از حافظه تاریخی ایران و میراثی متعلق به نسل‌های گذشته، امروز و آینده این کشور است. حتی قرار گرفتن چنین میراثی در معرض چانه‌زنی‌های اداری، توسعه شهری و منافع اقتصادی باید به عنوان یک هشدار جدی در بالاترین سطح حاکمیت تلقی شود.»

جامعه باستان شناسی ایران با طرح این پرسش که «اگر حفاظت از مهم‌ترین میراث جهانی ایران نیز بتواند در برابر سوداگری زمین‌تعارض منافع و منفعت طلبی مدیریتی آسیب‌پذیر نباشد، دیگر چه تضمینی برای



عبرت آموز برای دیاسپورای ایرانی. حال با توضیحاتی که رفت می‌توان به اجرای نمایش «تراس» پرداخت که مدتی پیش در سالن چهار مجموعه تئاتر لیخن‌دیر صحنه آمد و چندان که باید، مورد استقبال مخاطبان هنر نمایش قرار نگرفت. تو گویی تعطیلی خود برنامه بفرمایید شام، ضربه‌ای اساسی به تئاتری بود که قرار است روایتی انتقادی از پشت‌صحنه این برنامه باشد.

به سخن دیگر، جامعه از این برنامه و حواشی‌اش تا حدود زیادی عبور کرده و مثل سابق همدلی چندانی با کلیت آن از خود نشان نمی‌دهد. بنابراین برای اهالی سخت‌پسند تئاتر، اصالتی برای یک برنامه توده‌پسند تلویزیونی وجود نداشته و تولید تئاتر در رابطه با این قبیل برنامه‌های تلویزیونی ضرورتی نمی‌یابد مگر آنکه اتفاقی ویژه افتاده باشد که بر صحنه آوردن اجرایی چون تراس را معنادار کند. نکته‌ای که حداقل در این اجرای تئاتری مشاهده نمی‌شود و منطق خود برنامه بفرمایید شام است که به نوعی در طول اجرا در حال بازتولید شدن است.

اما با تمامی این حرف و حدیث‌ها، مواجهه انتقادی با یکی از مولفه‌های هویت‌ساز عده‌ای از مردمان طبقه متوسط شهری، تحت عنوان بفرمایید شام، می‌تواند همچنان به لحاظ مطالعات رسانه‌و پژوهش‌های جامعه‌شناختی مهم باشد.

از منظر دیگر این اجرایی توان‌دا اهمیت پیدااگر که فرم اجرایی‌اش، پیشنهادی تازه و رادیکال برای تئاتر ماداشته باشد. اما چیزی که در نمایش تراس به لحاظ شیوه اجرایی مشاهده می‌شود تقریباً در حال و هوای خودرنامه‌ور نالیسمی است که در پشت‌صحنه این جور مبادات و آشکار شدن راه‌های مگوی که در نهایت قرار نیست پنهان بماند.

طراحی صحنه چندان است که تماشاگران هر دو سوی صحنه، سرج‌به‌سرج حضور در یک تراس را از سر بگیرند. اما نکته اینجاست که اجرا می‌توانست بیش از این به حوادث اطراف این تراس توجه نشان دهد و به لحاظ جغرافیای شهری، مفهوم در زیر نظر بودن را به تماشاگران انتقال دهد.

در نهایت می‌توان گفت نمایش تراس، زمانه‌اش تا حدی گذشته و پیچیدگی زندگی دیاسپورای ایرانی بیش از این‌ها شده که در بفرمایید شام بازنمایی می‌شود. تراس از منظر قس‌م، در همان راه‌های پیموده شده قدم‌بی‌می‌دارد و محافظه‌کار

عمل می‌کند. به نظر می‌آید حال و هوای طبقه متوسطی اجرایش از آنکه در نقادان طبقه باشد و «هن‌و تو» اطاب کند در کار بازتولید

روابط طبقه متوسطی است. برای فرآوری از این مسئله، می‌توان راه‌های گریز را جستجو کرد و از ناشناخته‌ها نهراسید.

حفاظت از هزاران محوطه و بنای تاریخی کم‌تر شناخته‌شده در سراسر کشور باقی خواهد ماند؟

ظهور یک فرهنگ، صرفاً معامله بر سر زمین نیست؛ معامله بر سر حافظه تاریخی یک ملت است. هر تصمیمی که منافع مقطعی اقتصادی یا م‌دیریتی را بر حفاظت از آثار تاریخی مقدم بدارد، در نهایت تیشه بر ریشه‌های تاریخی و هویتی این سرزمین می‌زند.

در ادامه این نامه جامعه باستان شناسی عنوان شده است: «میراث فرهنگی نه حیاط خلوت سیاسی است، نه عرصه آزمون و خطای مدیران، نه منبع درآمد کوتاه‌مدت و نه ویترینی تزئینی برای مناسبت‌ها و سخنرانی‌ها. میراث فرهنگی بخشی از هویت ملی، حافظه جمعی و سرمایه بین‌نسلی ایران است. نابودی یک محوطه باستانی، تخریب یک لایه تاریخی یا ساخت‌وساز در عرصه حرم یک اثر، خسارتی نیست که بتوان در سال‌های آینده با تخصیص بودجه جبران کرد. آنچه از میان می‌رود، برای همیشه از دست رفته است.»

جامعه باستان شناسی ایران در این نامه که خطاب به رئیس‌جمهور

است، سپس این درخواست‌ها مطرح کرده است:

۱. «وضعیت اضطراری حفاظت از میراث فرهنگی کشور مورد بررسی و اعلام‌قرار گیرد و کارگروهی ملی و تخصصی با حضور باستان‌شناسان، مرمتگران، متخصصان حفاظت، حقوق‌دانان و نمایندگان نهادهای علمی مستقل، با نظارت مستقیم نهاد ریاست جمهوری تشکیل شود.

۲. موضوع حرم تخت جمشید و طرح توسعه مرودشت فوراً و به‌طور مستقل بررسی شود و تاروشن شدن کامل وضعیت حقوقی و کارشناسی، هر گونه اقدام اجرایی، تغییر کاربری یا تصمیمی که بتواند عرصه حرم یا منظر فرهنگی این مجموعه را تحت تأثیر قرار دهد متوقف بماند. همچنین تمام مصوبات نقشه‌ها، صورت‌جلسات و مکاتبات اداری مرتبط با این موضوع برای افکار عمومی و جامعه علمی منتشر شود.

۳. تعارض منافع و نقش احتمالی سوداگری زمین در پروژه‌های واقع در عرصه و حرم آثار تاریخی به‌صورت جدی مورد بررسی قرار گیرد و هر تصمیم‌مدیریتی که منافع خصوصی، محلی یا اقتصادی کوتاه‌مدت را بر مصالح ملی و حفاظت از میراث فرهنگی مقدم کرده باشد، مورد رسیدگی قرار گیرد.

۴. یگان حفاظت میراث فرهنگی از نظر نیروی انسانی، تجهیزات، امکانات و پشتوانه قانونی به‌صورت جدی تقویت شود و بر‌خورد با شبکه‌های قاچاق اشیای تاریخی و حفاری‌های غیر مجاز از سطح اقدامات مقطعی فراتر رفته و به یک برنامه ملی و سازمان یافته تبدیل شود.

۵. تمام پروژه‌های عمرانی، معدنی، صنعتی، راه‌سازی و توسعه

برنامه‌ها در جریان است. پس می‌توان نتیجه گرفت که نویسندنده و کارگردان در دام چیزی می‌افتند که قرار بود منتقدش باشند. برای همین است که اجرا سر به راه حرکت می‌کند و نسبت به چارچوب کلی برنامه بفرمایید شام، وفادار است.

اما از نقاط مثبت اجرا، بازی خوب بازیگران، ملموس بودن فضا، خلق موقعیت‌های کوچک در اما تیک و شخصیت‌پردازی در سست آدم‌های نمایش است. شوخ‌طبعی جاری در گفتگوها، تهاش‌هایی که این چهار نفر بر روی تراس یک خانه تحمل می‌کنند و در نهایت به شناخت نسبت به دیگران می‌رسند به خوبی در طول اجرا به نمایش گذاشته می‌شود. اما اجرا در راجع به مناسبات سیاسی روز جامعه، همچون جنبش‌های اجتماعی، محافظه‌کارانه عمل می‌کند. دغدغه‌ها همچنان شخصی است و راجع به تاریخ‌مذهب سیاسی واجتماعی در حائل ممکن.

نمایشنامه را محمود احدی نیا نوشته و فرزاد رنجبر عهده‌دار کارگردانی‌اش بوده است. ماجرای نمایش مربوط می‌شدد به آخرین حضور چهار نفر از شرکت‌کنندگان یکی از قسمت‌ها بر نامه بفرمایید شام و اتفاقاتی که مابین این جماعت می‌افتد. همان ساختار روایی آشنا که بحران اخلاقی مردمان طبقه متوسط را عیان می‌کند.

بازیگرانی چون فرانک کلاتر، امین اسفندیار، شادی ضیایی، نادر خوشبخت و فرزاد رنجبر در این پروژه تئاتری حضور داشته و توانسته‌اند فراد و فرود آدم‌های مهاجرت کرده را به خوبی به نمایش گذارند. همان دوستی‌های سطحی، فخر فروختن‌های بدون ملارد و آشکار شدن راه‌های مگوی که در نهایت

قرار نیست پنهان بماند. طراحی صحنه چندان است که تماشاگران هر دو سوی صحنه، سرج‌به‌سرج حضور در یک تراس را از سر بگیرند. اما نکته اینجاست که اجرا می‌توانست بیش از این به حوادث اطراف این تراس توجه نشان دهد و به لحاظ جغرافیای شهری، مفهوم در زیر نظر بودن را به تماشاگران انتقال دهد.

در نهایت می‌توان گفت نمایش تراس، زمانه‌اش تا حدی گذشته و پیچیدگی زندگی دیاسپورای ایرانی بیش از این‌ها شده که در بفرمایید شام بازنمایی می‌شود. تراس از منظر قس‌م، در همان راه‌های پیموده شده قدم‌بی‌می‌دارد و محافظه‌کار

عمل می‌کند. به نظر می‌آید حال و هوای طبقه متوسطی اجرایش از آنکه در نقادان طبقه باشد و «هن‌و تو» اطاب کند در کار بازتولید

روابط طبقه متوسطی است. برای فرآوری از این مسئله، می‌توان راه‌های گریز را جستجو کرد و از ناشناخته‌ها نهراسید.

گزارش

شهری که عرصه، حرم یا محوطه‌های تاریخی را تهدید می‌کنند، تا انجام مطالعات مستقل و قانونی باستان‌شناختی متوقف شوند و هیچ دستگاه اجرایی امکان در زدن الزامات حفاظت از میراث فرهنگی را نداشته باشد.

۶. بودجه اضطراری و پایدار برای حفاظت، استحکام‌بخشی و مرمت بناها و محوطه‌های در معرض تخریب اختصاص یابد و لوایت‌بندی این بودجه بر اساس ارزیابی علمی میزان خطر و نه ملاحظات سیاسی و منطقه‌ای صورت گیرد.

۷. انتصاب مدیران حوزه میراث فرهنگی بر مبنای تخصص، تجربه حرفه‌ای و صلاحیت علمی انجام شود و مدیریت این حوزه از انتصابات غیر تخصصی، روابط سیاسی و ملاحظات خارج از ضوابط حرفه‌ای مصون بماند.

۸. سازوکاری شفاف برای پاسخ‌گویی مدیران در قبال ترک فعل، اهمال یا تصمیماتی که به تخریب میراث فرهنگی منجر می‌شود ایجاد گردد تا مسئولیت حفاظت از آثار تاریخی صرف‌آ در حد توصیه و بخشنامه باقی نماند.»

در پایان این نامه نیز آمده است: «جامعه علمی و دوستاندار میراث فرهنگی ایران دیگر نمی‌توانند شاهدان میان رفتن خاموش و تدریجی تاریخ این سرزمین باشند. مسئله فقط تخت جمشید، یک تپه باستانی، یک خانه تاریخی یا یک بنای در حال فرو رختن نیست؛ مسئله، حافظه تاریخی یک ملت و حقی است که نسل‌های آینده بر گرن مادران تاریخ درباره تصمیم‌ها و سکوت‌های امروز ماقبالت خواهد کرد. نسل‌های آینده خواهند پرسید که چگونه در زمانه‌ای که ابزار علمی، قانونی و مدیریتی برای حفاظت از میراث وجود داشت، اجازه دادیم بخش‌هایی از گذشته این سرزمین قربانی بی‌تدبیری، منافع کوتاه‌مدت و سوداگری شود.

انتظار داریم حفاظت از میراث فرهنگی را نه به‌عنوان موضوعی فرعی در حوزه گردشگری، بلکه به‌عنوان مسئله‌ای ملی، فرهنگی و بین‌نسلی در دستور کار دولت ق‌قرار دهد و شخصاً بر اجرای اقدامات فوری و مؤثر در ایمن زمینه نظارت فرماید.

حفاظت از میراث ایران، حفاظت از هویت ایران است.»

الحاقی بخشی (حدود ۱۶۰ هکتار) از حرم درجه ۲ و تپه جمشید به مرودشت در صوبه شورای شهر مرودشت در شهریور ۱۴۰۴ انجام شد که به گفته بهزاد مریدی، مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی فارس، تاکنون این الحاق صورت نگرفته و موضوع همچنان در حال بررسی دوباره است.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی فارس همچنین گفته است: حذف کد روستایی مهدیه و قرار گرفتن این محدوده در ساختار شهری، می‌تواند در آینده زمینه‌ساز مشکلاتی در زمینه ساخت‌وساز و مدیریت حرم تخت جمشید شود و پیشنهاد ما این است که کد روستا بازگردد و مهدیه به روستای هدف گردشگری تبدیل شود.

بنابر توضیحات پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، عرصه این مجموعه شامل چهار محدوده تخت جمشید، شهر استخر، نقش‌رجب و نقش‌رستم است که به‌صورت جزیرهای تعیین شده‌اند. علاوه بر عرصه سسه محدوده حرم در سه یک، درجه ۲ و درجه ۳ نیز برای حفاظت از مجموعه میراث جهانی تخت جمشید مشخص شده و رعایت و اجرای ضوابط این محدوده‌ها در راستای تحقق مفاهیم توسعه پایدار منطقه، برای همگان تکلیف شده است.

حرم درجه ۲ تخت جمشید که اکنون محل بحث است، حدود ۱۷ هزار هکتار وسعت دارد و علاوه بر محدوده دو شهر تاریخی، ۱۱۰ اثر تاریخی مهم دیگر دشت مرودشت را که به ثبت ملی رسیده‌اند، دربر می‌گیرد.